

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام  
سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، پاییز ۱۴۰۲  
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۲۳-۱۴۴

## عوامل تأثیرگذار بر همزیستی ارامنه با جامعه ایران و نقش آنان در انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ش)

محمد رضا علم<sup>۱</sup>  
آرسن آواکیان<sup>۲</sup>  
عباس اقبال مهران<sup>۳</sup>

### چکیده

انقلاب مشروطه بیان کننده سرخوردگی جریان روشنفکری از چپستی و کارکردهای سیاسی و اجتماعی حکومت استبدادی و عدم مشارکت جامعه در تصمیمات بود. در آن شرایط ارامنه ایرانی نیز از جمله روشنفکرانی بودند که به ارائه دیدگاه‌های خود پرداختند. عامل اصلی تمایل ارامنه به مطالبه‌گری، حس وطن دوستی و دلبستگی آنان به آب و خاکی بود که در آن متولد و پرورش یافته بودند. در این پژوهش با نگاهی تحلیلی بر پایه اسناد موجود در آرشیو ارامنه در ایران و ارمنستان، عوامل تأثیرگذار بر همزیستی و نقش ارامنه در انقلاب مشروطه ایران بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارامنه ایران در آستانه انقلاب مشروطه به دلیل کارکردهای اقتصادی و کسب مناصب سیاسی و اجتماعی از طبقات روشنفکر و تأثیرگذار بودند. آنها به دنبال قانون مدون و تساوی حقوق بودند تا از طریق آن بتوانند در یک محیط برابر زندگی کنند. مشروطه با رویکردهای حقوقی خود، حد تحمل مردم را نسبت به ادیان دیگر افزایش داد و باعث حضور و مشارکت ارامنه در رونق و توسعه کشور شد.

**کلیدواژه‌ها:** ارامنه، قاجار، انقلاب مشروطه.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). [alam@scu.ac.ir](mailto:alam@scu.ac.ir)

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه دولتی ایروان، ایروان، ارمنستان. [a.avagyan@mfa.am](mailto:a.avagyan@mfa.am)

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

[abass.em1987@gmail.com](mailto:abass.em1987@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۶/۲۳

# Factors affecting the coexistence of Armenians with Iranian society and their role in the constitutional (Mashrūtiyyat) revolution (1285 SH)

Mohammad reza Alam<sup>1</sup>

Arsen Avagyan<sup>2</sup>

Abbas Iqbal Mehran<sup>3</sup>

## Abstract

The constitutional (Mashrūtiyyat) revolution was an expression of the disillusionment of the intellectual current about the nature and political and social functions of the authoritarian government and the lack of community participation in the decisions. In that situation, Iranian Armenians were among the intellectuals who presented their views. The main factor of Armenians' desire to make demands was their sense of patriotism and their attachment to the land and water in which they were born and grew. In this research, with an analytical view based on the documents available in the Armenian archives in Iran and Armenia, the influencing factors on the coexistence and role of Armenians in Iran's constitutional revolution have been examined. The findings of the research show that the Armenians of Iran on the threshold of the constitutional revolution were intellectual and influential classes due to their economic functions and the acquisition of political and social positions. They were looking for codified law and equality of rights so that through it they could live in an equal environment. With its legal approaches, the constitution increased people's tolerance towards other religions and caused the presence and participation of Armenians in the prosperity and development of the country.

**Keywords:** Armenians, Qajar, Constitutional (Mashrūtiyyat) Revolution.

1. Professor, Department of History, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (corresponding author). alam@scu.ac.ir

2. Professor, Department of Yerevan State University, Yerevan, Armenia. A.avagyan@mfa.am

3. PhD student of Iranian Islamic history, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran abass.em1987@gmail.com

## درآمد

سرزمین ایران در طول تاریخ یک ساختار چند مذهبی و چند فرهنگی داشته است. ارامنه یکی از اقلیت‌های مذهبی و فرهنگی ایران بودند که در دوره انقلاب مشروطه با اکثریت جامعه ایران همکاری و تعامل داشتند. تعامل ارامنه با جامعه ایرانی در انقلاب مشروطه هیچ ارتباطی با نوع دین آنها نداشت بلکه به سبب اشتراک آنها در وضع بسیار بد اجتماعی و سیاسی بود. ارامنه به دنبال قانون تساوی حقوق بودند تا از طریق آن در یک جامعه امن و دارای قانون برابر زندگی کنند. در انقلاب مشروطه، اقلیت‌های مذهبی هر یک با نگرش‌های گوناگون و با توجه به شرایط موجود تلاش کردند تا برای ادامه اهداف سیاسی خود نقشی داشته باشند.

مشروطیت ایران در سال ۱۲۸۵ش شرایط را برای ارامنه ایران دگرگون کرد. براساس قانون مشروطه، ارامنه ایران محترم، جان، مال و شرف آنان محفوظ و هیچ کس حق تجاوز به حقوق آنها را نخواهد داشت (اصل ۸، ۹، ۱۰، قانون اساسی مشروطیت). مشروطیت فضای لازم برای تغییر شرایط موجود را به ارامنه ایران داد تا آنها طبق آیین خود رفتار کنند و از قید محدودیت‌ها نجات یابند. برخورد با ارامنه در ایران تحت تأثیر سه عنصر «قدرت سیاسی داخلی»، «قدرت‌های خارجی» و «تلقی از اسلام» متغیر بود. مشروطه نقطه عطفی در تغییر نگرش نسبت به پیروان ادیان مختلف تلقی می‌شود. دو نوع نگرش در پیدایش مشروطه مؤثر بود. یکی آزادی سیاسی یا همان حداقل دموکراسی و دیگری آزادی انسانی که در واقع تساوی همه افراد در برابر قانون بود.

## پیشینه پژوهش

درباره نقش ارامنه ایران در پیروزی انقلاب مشروطه پژوهش‌های متعددی به نگارش درآمده است؛ اما در مورد عوامل تأثیرگذار بر همزیستی ارامنه با جامعه ایران و نقش آنان در انقلاب مشروطه اثر مستقلی نگارش نشده است. در برخی پژوهش‌ها به صورت موردی به این موضوع پرداخته شده است که از مهمترین آنها می‌توان به حماسه بیرم تألیف آموریان (۱۳۵۵ش) اشاره کرد که به بررسی نقش بیرم در سازماندهی نیروها، اتفاقات بعد از فتح و ستایش از شخصیت بیرم پرداخته است؛ حزب داشناک و جریان

نهضت مشروطه از مانوکیان (۱۳۸۴ش)، نقش داشناکسوتیون را در نهضت مشروطه ایران با تأکید بر اسناد بررسی کرده است؛ کتاب *ارامنه و انقلاب مشروطه ایران* نوشته جلالی (۱۳۹۲ش) به چیستی، تبیین جریان‌شناسی سیاسی، بررسی اندیشه‌ها و کارکردهای سیاسی گروه‌های سوسیالیستی ارمنی تبریز و گیلان در جنبش مشروطه ایران از منظر جامعه‌شناسی تاریخی می‌پردازد؛ *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* تألیف ملک‌زاده (۱۳۳۱ش) یکی از منابع مهم برای این دوره محسوب می‌شود، زیرا وی در همان دوره می‌زیست و اشراف خوبی بر رخدادها داشت. مؤلف در زمینه اتفاقات گیلان و فتح تهران برای پیرم‌خان ارمنی ارزش زیادی قائل شده و تلاش‌های وی را در مشروطه ایران می‌ستاید؛ *انقلاب مشروطه ایران* تألیف ژانت آفاری (۱۳۷۹ش) که وی به حمایت انقلابیون قفقاز از جمله حزب ارمنی داشناک از نهضت مقاومت آذربایجان و گیلان، اقدامات پیرم‌خان ارمنی در گیلان را بررسی کرده است. این پژوهش قصد دارد با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عوامل مؤثر بر زیست جامعه ارامنه ایران از انقلاب مشروطه تا پایان سقوط قاجار، به سؤالات زیر در این زمینه پاسخ دهد: ۱- ارامنه ایران در آستانه انقلاب مشروطیت از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چه وضعیتی داشتند؟ ۲- چه عواملی باعث تحول در رشد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارامنه ایران در دوره قاجار شد؟ با توجه به پیشینه ذکر شده و به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش، این فرضیه‌ها به آزمون گذاشته شده‌است: ۱- ارامنه ایران در آستانه انقلاب مشروطه به‌دلیل کارکردهای اقتصادی، دارا بودن مناصب سیاسی و اجتماعی طبقه‌ای تأثیرگذار و روشنفکر بودند و ۲- انقلاب مشروطه به دلیل کارکردهایش باعث ارتقاء در زیست سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارامنه ایران شد.

### حضور ارامنه در انقلاب مشروطه

روابط تاریخی ارامنه و ایرانیان از سده هفدهم میلادی وارد مرحله جدیدی شد. بعد از مهاجرت اجباری ارامنه به دستور شاه عباس اول از جلفای قدیم به ایران، کلونی‌های

پرجمعیت ارمنی‌نشین در ایران ظاهر شد. بزرگ‌ترین نمونه شهر جلفای اصفهان بود. دولت صفوی برای علاقه‌مند شدن آرامنه به ایران، امتیازاتی به آنها داد. «ارمنی‌ها که مردمی پرتلاش و باهوش بودند، به تجارت مشغول شدند، در نتیجه کوشش آنها، جلفا به شهری مترقی تبدیل شد» (رضایی، ۳۷). حضور آرامنه در پیکره اجتماع ایران به صورت مجتمع‌های انسانی، در دوره شاه تهماسب اول و شاه عباس اول صفوی به وقوع پیوست. لشکرکشی‌های مختلف شاه تهماسب اول صفوی به مناطق مختلف قفقاز، اسیران بسیاری از اقوام گرجی، چرکس و ارمنی را به داخل ایران انتقال داد. این روند در دوره شاه عباس اول نیز با پیگیری سیاست‌های مختلف گسترش یافت. در نتیجه این جریان‌ها، نیروهای ارمنی از دوره صفویه به‌طور فعال با حضور در عرصه‌های مختلف، به ویژه تجاری و بازرگانی، در نقاط مختلف ایران نقش مؤثری ایفاء کردند (علی‌زاده مقدم و هاشمی پور، ۶۰). بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک گنجینه اسناد ماتناداران<sup>۱</sup> به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت صفوی و قاجار حمایت جدی و مستمر از آرامنه بود. عدم اجبار در تغییر مذهب، حمایت از ساخت و نگهداری ده‌ها کلیسای ارمنی در مناطق مختلف ایران به‌ویژه در جلفای اصفهان و حق تعیین خلیفه توسط پادشاهان ایران، آزادی برگزاری مراسم مذهبی، اختصاص کلاتر ارمنی برای محله جلفا و موارد دیگر، بخشی از این واقعیت تاریخی است (Baghdiantz, 135). از دوره اول قاجار، فرامین بسیاری از شاهان ایران بر جای مانده که بیانگر حمایت‌های مختلف سیاسی و اقتصادی از آرامنه و واگذاری امور محلی به کلاتر ارمنی بوده‌است. هرگونه خلافی توسط خادمان کلیسا اتفاق می‌افتاد، خلیفه اوچ‌کلیسا<sup>۲</sup> خود به تنبیه خطاکاران اقدام می‌کرد. موارد تنبیه خلیفه شامل تراشیدن ریش،

۱. ماتناداران به معنای مجموعه و مکانی برای نگهداری اسناد، متون خطی و کتاب‌های دست‌نویس قدیمی یا چاپی است. این مجموعه، علاوه بر حفاظت از این متون، فعالیت‌های علمی دیگری از قبیل جمع‌آوری، ترمیم، طبقه‌بندی، تحقیق و نشر آنها را نیز برعهده دارد.

۲. اوچ‌کلیسا عمده‌ترین و اصلی‌ترین کرسی خلیفه اعظم (کاتولیکوس) آرامنه در نزد آرامنه جهان محسوب می‌شود و نقش آن بسیار فراتر از یک کلیسا بود. اوچ‌کلیسا هم‌تراز واتیکان در جهان مسیحیت کاتولیک است. در متون آرامنه از

تنبیه، تأدیبه، مرخص و ماذون کردن بود (ماتناداران، سند ۵۹۴، ۱). ارامنه در ارتش ایران دوره قاجار حضور مؤثری داشتند. «در لشکرکشی آقامحمدخان به ماورای قفقاز، تعداد زیادی از ارامنه در قسمت‌های مختلف، به‌خصوص توپخانه انجام وظیفه می‌کردند» (رائین، ۳۹). ارامنه در بخش‌های سیاسی ایران نیز دارای پست و فعالیت‌های چشم‌گیر بودند. آقامحمدخان قاجار، سطوت‌خان ارمنی را به‌عنوان اولین سفیر خود به دربار لندن فرستاد (همان). فتحعلی‌شاه به ارامنه با دید خوش می‌نگریست (دروهانیان، ۳۰۴). جنگ‌های ایران و روس در زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه با بستن دو پیمان گلستان و ترکمانچای پایان یافت (مفتون دنبلی، ۵۸۲-۵۸۳). در فصل سوم عهدنامه گلستان پادشاه ایران برای ابراز دوستی و وفاق نسبت به امپراتور روسیه تمامی ولایات قراباغ و گنجه، خانات موشکی، شیروان، قبه، دربند، باکو و بخشی از ولایات طالش را که بالفعل در تصرف دولت روسیه بود و تمامی داغستان و گرجستان را تا دریای خزر مخصوص و متعلق به دولت امپراطوری روسیه دانست (شمیم، ۸۵). در فصل سوم و چهارم عهدنامه ترکمنچای نیز امتیازاتی به دولت روسیه داده شد و حوزه نفوذ ایران در منطقه قفقاز برای همیشه از دست رفت. شاه ایران از طرف خود و جانشینان خود، خانات ایروان را که در دو طرف رود ارس واقع است و نیز خانات نخجوان و ایروان را به دولت روس واگذار کرد. او برای اثبات دوستی خالصانه نسبت به امپراطور روسیه به‌موجب همین فصل، از طرف وراث و اخلاف خود واضحاً و علناً تصدیق می‌کند که ممالک و جزایری که ما بین خط تحدید فصل اخیر و نیز جبال قفقاز دریای خزر است

آن به‌عنوان «آستانه مقدس»، «مکان مقدس» یا «اجمیادزین مقدس» (Holy See) یاد می‌شود. اجمیادزین به ارمنی یعنی مکانی که تنها پسر خدا در آنجا پایش را به زمین گذاشت. ایرانیان و عثمانی‌ها به آن «اوج کلیسا» (Uch-Kilisa) «سه کلیسا» می‌گفتند که به کلیسای بزرگ اجمیادزین و دو کلیسای مجاور آن یعنی سنت هرسمه (Stripsime) و سنت گایانه (St. Gayane) اشاره دارد. کلیسای مقدس اجمیادزین در شهر واقارشاپات (اجمیادزین امروزی) در ایروان قرار دارد. در تصویری که از این مکان در پایان قرن هفدهم میلادی ترسیم شده، دیر اجمیادزین در دامنه کوه آرات در بین خانه‌های روستایی قرار دارد. دو کلیسای شوغاکات و گایانه نیز با فاصله از کلیسای اجمیادزین در میان حصارهای جداگانه جای گرفته‌اند. حاجی خلیفه، نیز در کتاب جهان‌نمای خود، به سال ۱۶۵۷م، از دیر اجمیادزین با نام «اوج کلیسا» یاد کرده است (بیگ باباپور، ۵۶).



و همچنین اهالی بدوی و غیره متعلق به دولت روسیه است (همان، ۹۵-۹۶). در این جنگ‌ها، سربازان ارمنی در هر دو قشون ایران و روسیه می‌جنگیدند؛ اما «تعداد سربازان ارمنی که در قشون ایران انجام وظیفه می‌کردند، به‌طور محسوسی از تعداد آنان در قشون روسیه بیشتر بود» (میناسیان، ۱۰۳). در دهه‌های ۱۷۳۰ تا ۱۷۶۰م اوج کلیسا اظهار وفاداری خود را در قالب عریضه و کمک، به اطلاع دولت علیه ایران رساند. در فرمانی که به خلیفه سرکیس بعد از جنگ میان ایران و روسیه در زمان عباس میرزا و با پیروزی ایران صادر شد، رضایت خاطری ملوکانه از اقدامات اوج کلیسا و سرسپردگی کامل به دولت علیه ایران از اضمحلال قوای روسیه که با نه هزار سالدات<sup>۱</sup> مغلوب و شش عراده توپ و قورخانه و دواب و عراده به دست سپاه ایران افتاده است، اعلام می‌دارد (ماتناداران، سند ۷۵۰، ۱).

ناصرالدین‌شاه نقش آرامنه را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران ستایش می‌کرد و به آرامنه حق آزادی فردی، مالکیت و آزادی دینی داده بود و به آنان امتیاز تأسیس مدرسه اعطاء کرده بود (لازاریان، ۱۸۳). افراد برجسته دوره قاجار نیز از آرامنه پشتیبانی می‌کردند. درهوهانیان (۳۵۲) از صدراعظم ایران به خوشی یاد می‌کنند: «عالی‌جناب حاجی میرزا آقاسی صدراعظم در تهران مکرراً سفارش کرده بود که از ما آرامنه حمایت کنند، صلح و صفا باشد و به ما آزار و آسیبی نرسانند». عالی‌شأن خلیفه پارسوق امیدوار بوده بداند که عریضه آن عالی‌شأن به نظر انور رسید و معروضاً آن از بدایت الی نهایت ملحوظ گشت ظهور صدق ارادت و خلوص عقیدت آن عالی‌شأن باعث وفور مرحمت و عنایت خاطر خطیرگشت شکایتی که از سوء سلوک حکام سابق کرده بود. آن عالی‌شأن می‌داند ما هیچ وقت راضی به جبر و ظلم نسبت به احدی از رعایای سرکار اعم از مسلمان یا ارمنی نبوده و نیستیم با آنکه آن عالی‌شأن رعیت پروری و عدالت‌گستری ما را می‌دانست. باید هر ظلمی و خلاف و حسابی به آن عالی‌شأن شده باشد، بیاید عرض کند تا به اقتضای انصاف رفع نماییم (ماتناداران، سند ۹۱، ۱).

۱. سالدات واژه روسی به معنی سرباز (دهخدا، ۲۵/۲).

برخی از مناصب مهم نظامی نیز به نظامیان ارمنی اعطاء می‌شد مانند داویدخان ساگینیان که «معمولاً او را مایورخان می‌خواندند و در آن زمان رئیس قشون اصفهان بود» (درونیان، ۳۰۷). به گزارش دروهانیان (۳۶۰) «میرزاتقی‌خان فراهانی علاقه داشت قشونی از سربازان ارمنی داشته باشد که درجه‌داران آنها از اون‌باشی تا مین‌باشی و سرلشکر از ارامنه باشند تا به تناسب وظیفه‌ای که دارند بتوانند به دربار بیایند و با شاه آشنا شوند و در هنگامی که ظلمی روا شد، بتوانند آزادانه از شاه رحمتی ببینند و با شفاعت به زودی بتوانند مشکل هم‌کیشان خود بگشایند». امیرکبیر ارامنه را در همه امور مهم کشور مشارکت می‌داد (رائین، ۴۱). زندگی روستاییان و کشاورزان ارمنی تفاوتی با هم‌تایان مسلمانان نداشت و مانند آنان برده و آلت دست خان‌ها بودند. وقتی مورد ستم قرار می‌گرفتند دولت قاجار برای حمایت از آنها فرامینی صادر می‌کرد (ماتناداران، سند ۵۹، ۱). گروه کوچکی از تجار ارمنی نیز توان بسیار کمی داشتند، چرا که بازار در دست سرمایه‌داران بزرگ مسلمان و اروپایی بود و ارامنه به واسطه‌گری می‌پرداختند. مدارس ارامنه تنها امتیازشان بود؛ زیرا که مدرن‌تر و اروپایی‌تر بودند (واراندیان، ۲۵۶-۲۵۷).

انقلاب مشروطیت ایران در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۱ جریانی برای برقراری نظام پارلمانی، دولت مشروطه، انجام اصلاحات و تمرکز قدرت در دست دولت بود. این جریان پیامدِ حوادثِ مختلفی بود که در میان قرن نوزدهم در ایران اتفاق افتاد از جمله شکست‌های نظامی از روسیه، کاپیتولاسیون‌های تجاری، دادن امتیازهای بازرگانی به روسیه و بریتانیای کبیر، نفوذ اقتصادی اروپا، آشفتگی در کار تولیدکنندگان داخلی و به‌دنبال آن ناخشنودی اجتماعی. ارامنه در مشروطه‌خواهی و تشکیل احزاب دموکراتیک ایران سهم روشنفکرانه ارزنده‌ای به عهده داشتند. درباره چهره سرشناس ارمنی در انقلاب یعنی پیرم‌خان (۱۸۶۲-۱۹۱۲) و نیز ملک‌م‌خان (۱۸۳۳-۱۹۰۸) که از طرفداران عمده مشروطه خواهان در دوره نخست انقلاب و ساکن اروپا بود، آثار مختلفی نوشته شده‌است. تأکید بر یک یا دو فرد خاص مشکل‌ساز است؛ چرا که پویایی نیروهای بزرگ‌تر را از بین می‌برد و از پیچیدگی‌های نقش ارامنه، اهداف سیاسی و ایدئولوژیک،



کشمش‌های برونی و درونی، احزاب سیاسی ارمنی در ایران، قفقاز، عثمانی، اروپا و ایالات متحده، تصویر دقیق و روشنی را ارائه نمی‌دهد.

عملکرد آرامنه در مشروطه بسیار چشمگیر است؛ زیرا جنبه‌های خاصی از تاریخ ایرانی‌ها و آرامنه و هم از انقلاب مشروطه و نقش آرامنه در آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. سه عامل این پدیده منحصر به فرد را تبیین می‌کند: ۱- محیط انقلابی و روشنفکری قفقاز و تأثیر آن بر جامعه چندین صد ساله ایرانیان ارمنی، ۲- خشونت فرقه‌ای بین آرامنه و مسلمانان قفقاز و آرزوی چپ سیاسی برای از بین بردن آن به روش تشویق این دو قوم برای همکاری در جنبش ایرانیان و ۳- انعطاف‌پذیری هویت‌ها که شرکت در جنبش انقلابی خارج از قلمرو امپراتوری‌های عثمانی و روسیه را توجیه‌پذیر می‌ساخت.

### ارامنه در عصر بیداری ایرانیان

ملکم خان ناظم‌الدوله مهم‌ترین و برجسته‌ترین ارمنی در عصر بیداری ایرانیان بود. ملکم خان بین سال‌های ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۵م نشریه قانون را در لندن منتشر می‌کرد. او همچنین سفیر ایران در لندن و ایتالیا بود و کتاب‌های بسیاری نیز به چاپ رساند (لازاریان، ۱۰۱-۹۸). ملکم خان تلاش زیادی کرد تا مردم ایران را با تمدن جهانی، قانون و حکومت مردمی آشنا کند و عقیده داشت که اگر در ایران اصلاحات نشود، کشور به دست بیگانگان خواهد افتاد. ملکم خان با مقایسه ایران در زمان خود با ایران دوران امپراتوری باستان، به اوضاع اسفناک آن انتقاد کرد و گفت: دولتمردان ایران هر آنچه در ایران فروختنی بود، از مادی و معنوی، همه را به بیگانگان فروختند. او اولین کسی بود که ایده قانون را در این سرزمین کاشت چنان‌که به میرزاملکم خان قانونی معروف شد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۴۹). ملکم خان مرد زیرک و فهمیده‌ای بود. او از سیاست پنهانی دولت‌های اروپایی درباره آسیا آگاهی دقیقی داشت، دلش به حال ایران می‌سوخت، به همین دلیل بود که به بیداری مردم علاقه داشت (کسروی، ۱۰). مقام پرنس ملکم خان در ایران همان مقام ولتر و ژان‌ژاک و لرد ویکتور هوگو بود در ملت

فرانسه و همان‌طور که ملت فرانسه به آن دانشمندان افتخار دارند، ملت ایران هم به این یگانه دانشمند می‌نازید (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۵۲).

### جنبش مشروطیت ایران

مظفرالدین شاه بر اثر پافشاری مشروطه‌طلبان فرمان مشروطیت (۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش/ ۵ آگوست ۱۹۰۶ م) را امضاء کرد. زمانی که مظفرالدین شاه فرمان تأسیس مجلس را صادر کرد، علمایی که به قصد اعتراض به قم مهاجرت کرده بودند به تهران بازگشتند و مورد استقبال مردم قرار گرفتند. ارامنه نیز در میان استقبال کنندگان حاضر بودند. «حدود پنجاه شصت تاجر ارمنی برای این کار در کهریزک چادر زده بودند. طایفه ارامنه به قدر صد نفر در کهریزک چادر داشتند. روز بعد بازار و سراها بسته شد. همه مردم و کسبه از مسلمانان و ارامنه برای استقبال ورود آقایان به شاهزاده عبدالعظیم رفتند» (همان، ۵۷۱-۵۷۲). مظفرالدین شاه ده روز پس از امضای قانون مشروطیت درگذشت. در مراسم سوگواری درگذشت مظفرالدین شاه که در تکیه دولت برگزار شد، «طایفه ارامنه نیز با رؤسای مذهبی خود بر سر نعش پادشاه حاضر شده و اظهار سوگواری کردند» (کاتوزیان، ۴۱۷).

پس از مظفرالدین شاه، پسرش، محمدعلی میرزا که دشمن سرسخت مشروطیت بود، جانشین او شد. حضور فعال اقلیت‌های مذهبی در جنبش مشروطه بهانه‌ای شد تا آنها را خلاف شرع اسلام بدانند. «در خارج از مجلس عده‌ای از ملاهای متعصب از قبیل ملامحمد آملی و غیره علیه مجلس و مجلسیان سخن گفته و ابراز می‌داشتند که مجلس شورای ملی می‌خواهد قوانین اسلام را زیر پا نهاده و برابری یهود و ارامنه و زرتشتیان را با مسلمین رأی دهد. تعدادی از مسلمین متعصب همین موضوع را تأکید می‌نمودند و علیه مجلس سخن می‌گفتند» (همان، ۶۶۶). در مجلس یکم، به لایحه نماینده داشتن اقلیت‌های مذهبی اعتراض زیادی شد و یکی از نمایندگان بیان کرد که نماینده مخصوص برای اقلیت‌های مذهبی برخلاف شرع اسلام است. نماینده دیگری نیز این لایحه را نقشه دشمنان خواند و گفت: «ما که هزار سال است با اقلیت‌های خود این قدر

خوش رفتار بوده‌ایم، دیگر این تقاضای گستاخانه چه کسی می‌تواند باشد» (آبراهامیان، ۸۵). در کنار مجاهدان بومی تعدادی داوطلب که از قفقاز به تبریز آمده بودند، می‌جنگیدند. اینان متشکل از ایرانیان مهاجر، سوسیال دموکرات‌های گرجی و مسلمانان قفقازی بودند و سپس آرامنه به آنها پیوستند (یزدانی، ۹۲). حزب به‌طور محرمانه گروه‌های نظامی کوچکی در ایران شکل داد و شعب مختلفی را با پخش عقاید و ایدئولوژی بنا کرد. در نتیجه خاک ایران به‌صورت موطنی مقدس برای افراد انقلابی محسوب شد که بسیاری از آنها از آرامنه مهاجر قفقازی بودند (بربریان، ۵۳). جنبش به آزادی‌خواهی ایرانیان توجه ویژه داشت. روستوم (با نام اصلی استپان زوریان) از بنیانگذاران اصلی حزب داشناکسوتیون و چهره مهم آن موافق شرکت حزب در جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان بود. در جلسه کمیته محلی تبریز، نمایندگانی از دیگر مناطق ارمنی‌نشین ایران حضور داشتند. پیرم داویدیان به نمایندگی از گیلان به جلسه آمده بود. کمیته با بررسی و تحلیل اوضاع جنبش مشروطه‌خواهی، به شرکت آرامنه در جنبش مشروطه نظر مثبت داد و تصمیم خود را برای تصویب به چهارمین کنگره سراسری حزب ارسال کرد. کنگره حزب در ۱۹۰۷ در وین تشکیل جلسه داد و پیشنهاد کمیته محلی تبریز را تصویب و سپس قطعنامه‌ای صادر کرد (آموریان، ۱). این قطعنامه با ۲۵ رأی موافق و یک رأی ممتنع به تصویب کنگره رسید (بربریان، ۷۴). پیرم شخصیتی نظامی داشت و غایت آرمانش رهایی آرامنه مقیم عثمانی از تسلط دستگاه خلافت بود. نخستین موضع‌گیری او در تحولات مشروطه ایران وقتی آشکار شد که در پاریس مجلسی برای دفاع از مبارزات مشروطه‌خواهی ایران و نیز حمایت از مبارزات سایر ملل شرق شکل گرفت. در آن مجلس برخی از نمایندگان ایران حول محور مذهب به‌عنوان فصل‌الخطاب مبارزات مردم ایران تأکید کردند؛ اما پیرم در آن جلسه به پاخاست و گفت که در ایران مسلمانان در کنار آرامنه و سایر اقلیت‌های دینی مورد هجوم واقع می‌شوند و نمی‌توان مبارزات مردم ایران را ماهیتاً و صرفاً مذهبی عنوان کرد، زیرا در این مبارزات کسانی دیگر هم مشارکت دارند که از نظر مذهبی با اکثریت مردم ایران تفاوت دارند. از سوی دیگر عنوان شد که مبارزات مردم ایران بیشتر سیاسی است تا

مذهبی؛ به عبارت بهتر آنچه همه مردم ایران را به خیزش و جنبش واداشته است مسائل سیاسی است که غایت آن آزادی و برابری مردم در مقابل قانون است و لاغیر. او توصیه کرد که جنبش ملت ایران باید از حالت بومی خود خارج شود و ابعادی جهان‌شمول بگیرد، از نظر او برای این منظور راهی جز بی‌طرفی دینی وجود نداشت. او خاطر نشان کرد که شعارهای اتحاد اسلام را باید به‌کناری نهاد و ایرانی اگر می‌خواهد رها شود باید خود دست به کار شود و چشم امید به جایی نداشته باشد (ملک زاده، ۱۰۱۷-۱۰۱۵). همین دیدگاه بعدها از سوی یوسف میرزایانس نماینده ارامنه در مجلس اعلام شد. او در یکی از جلسات مجلس گفت: امور سیاسی کشور باید بدون توجه به مذهب و جنسیت در اختیار اتباع ایران باشد. به عبارتی او روی محور جدایی دین و دولت و نیز برقراری حقوق مدنی برای زنان تلاش می‌کرد (مشروح مذاکرات، ۲۲۴). «ارمنیان پس از سال‌ها مبارزه و تجربه برای رهایی ارمنستان از زیر یوغ خارجی، می‌بایست با همه نهضت‌های ضد استبدادی منطقه از جمله ایران همبستگی داشته باشند» (فروچی و طالبی، ۱۷۶).

خشونت‌های فرقه‌ای، جنگ خونین و کشتار سال ۱۹۰۵ قفقاز باعث شد مسلمانان و ارامنه در کنار هم بدون توجه به مذهب برای آزادی ایران بجنگند. به هر حال درگیری‌ها در منطقه قفقاز میان ارامنه و مسلمانان رخ داد و گروه‌هایی نیز در صدد تسری دادن آن به قلمرو ایران برآمدند. جریده حبل‌المتین (شماره ۹، سال سیزدهمین، ۳) نوشت که اخیراً چند نفر از مسلمانان نخجوان وارد تبریز شده، اهالی را بر ضد ارامنه تحریک می‌کنند، ارامنه از این فعالیت‌ها نگران شده و برای جلوگیری از بروز تشنجات احتمالی با مقامات دولتی، علما و اعیان و بزرگان تبریز، ملاقات کرده و در نهایت مانع از مؤثر واقع شدن این تحریکات شدند. حاج میرزا حسن آقامجتهد و حاجی میرزا عبدالکریم، دو تن از علمای وقت تبریز، نقش بسزایی در خاموش کردن این تشنج داشتند. حبل‌المتین در ادامه گزارش خود از این ماجرا نوشت: «ارامنه به حضور حضرت امام جمعه آمده و ملتجی شده بودند؛ امام جمعه گفته بود: «این ارامنه که در اینجا هستند حقیقتاً به اسلام پناه آورده و تابع اسلام می‌باشند و به مضمون «اکراموا الضیف و لوکان کافراً»؛ میهمان

را گرامی دارید اگر چه کافر باشد، باید شما در امان باشید». سپس «مردم که اجماع کرده بودند با هزار وسیله و تهدید ترسانیده و [امام جمعه] خودشان فرمودند ساکت باشید و شورش و غوغا را طالب نشوید». آنگاه که «بعضی جهال و کسان فتنه‌جو در جواب می‌گفتند که مسلمانان قفقازیه استمداد کرده‌اند؛ وی اظهار داشت: «که آن مسلمانان در اداره و تحت حکومت و سلطنت علیحده [یعنی روسیه] و شما مسلمانان علیحده [یعنی ایران هستید]؛ از شورش و فتنه شما ثمری به آنها عاید نخواهد شد» (همان). به نظر می‌رسد بعضی از محرکین قصد داشتند این تنش را به دیگر نقاط ایران از جمله همدان و سبزوار نیز تسری دهند. خلیفه خورن، خلیفه آرامنه همدان و سلطان‌آباد در دو نامه جداگانه به مشیرالدوله وزیر امور خارجه به تحریکاتی که در همدان علیه آرامنه صورت گرفته بود و خاموش کردن آن تحرکات توسط سه تن از علمای همدان یعنی آقا ابراهیم، آقای حاج مجتهد حسن و حاج مجتهد مهدی و همچنین دیگر مقامات دولتی مانند یمین‌السلطان حکمران و حسام‌الملک اشاره کرده است (آرشیو وزارت امور خارجه، سند ۲۱ و ۲۲، ۵). حاصل تلاش مقامات دولتی و علمای ایران را می‌توان در برخی از نامه‌های ارسالی جریده جبل‌المتین مشاهده کرد. یکی از ایرانیان مقیم قفقاز که در هنگام شورش‌های آن حدود به ارومیه آمده و بعد از آرامش نسبی به قفقاز مراجعت کرده بود، مشاهده کرد که کماکان ناامنی وجود دارد. وی مشاهدات خود را این‌گونه بیان کرد: «با بعضی از صاحب منصبان روس که دوستی دیرینه داشتم و جویای حال شدم گفتند بهتر است به ارومیه برگردی و قدر نعمتی را که خداوند در ایران به شما اعطاء کرده بدانی. با وجود اینکه در ایران قانون اساسی نیست و عدالت‌خانه منظم ندارد، جان مردم سلامت و از ترس دولت در شهرها سهل است و در دهات هم آدم را اگر بکشند، دولت از قصاص نمی‌گذرد» (جبل‌المتین، شماره ۵، سال چهاردهم، ۳). نویسنده در ادامه درباره نقش محمدعلی میرزا ولیعهد که در تبریز اقامت داشت، در این هنگامه نوشت و خاطر نشان کرد: «حضرت والا ولیعهد با وجود استعداد مردم آذربایجان به شورش، دیدیم که نگذاشت یک مو از سر رعیت دولت ایران، خواه ارمنی، خواه یهودی، خواه مسلمان در این مقدمه قفقازیه کم بشود و

از تدابیر او بود که شورش و اغتشاش قفقازیه به آذربایجان سرایت نکرد» (همان). پس از پیروزی ترکان جوان در عثمانی بین دولت جدید و ارامنه آن کشور صلح موقت برقرار شد و برای رهبران داشناک فراغتی فراهم آمد و موقعیت سیاسی کسانی تقویت شد که خواهان شرکت در مبارزه مسلحانه تبریز بودند (یزدانی، ۱۰۰). روستوم در گزارشی به دفتر مرکزی حزب اشاره می‌کند که گروه مذاکره‌کننده شامل وثوق‌الدوله، نایب رییس مجلس، مستشارالدوله، نماینده تبریز، حاج امین‌الضرب، نماینده تجار تهران، حاج معین‌التجار، حاج میرزا ابراهیم‌آقا، نماینده تبریز، و سیدحسن تقی‌زاده، نماینده جوان تبریز بود. مجتهدان تهرانی یعنی آقا سید عبدالله بهبهانی و آقا سید محمدطباطبایی که سران اصلی مشروطیت و مورد اعتماد علمای نجف بودند نیز با ایشان هستند. این مذاکرات شش روز ادامه داشت (آموریان، ۳-۴). در آن مذاکرات شش موضوع در دستور کار بود: ۱- امنیت مشروطیت در برابر توطئه‌های شاه چه اندازه است؟ ۲- چه اقداماتی بر ضد قرارداد روسیه و انگلیس، که می‌تواند استقلال سیاسی ایران را به مخاطره اندازد، صورت گرفته است؟ ۳- چه دلایلی برای دور کردن قشون عثمانی از مرزها وجود دارد؟ ۴- چه تعداد نیرو می‌تواند در برابر قشون عثمانی به میدان فرستاده شود؟ ۵- ارامنه چه کمکهایی می‌توانند برای جنبش انجام دهند؟ ۶- ایرانی‌ها چه کمکهایی می‌توانند در مقابل برای ما انجام دهند؟ (همان، ۵). این توافق‌ها به نتیجه نرسیدند؛ زیرا اگر آشکار می‌شد پیمان دوستی میان ایرانیان مسلمان و ارامنه مسیحی بر ضد عثمانی‌های مسلمان به امضاء رسیده است، ممکن بود باعث یک دردسر جدی شود؛ به همین دلیل دو طرف موافقت کردند که موضوع را محرمانه و مسکوت نگه دارند (آفاری، ۱۰۹). از جمله درخواست‌های طرف ایرانی این بود که ارامنه یکی دو افسر دارای تخصص را برای به‌کار بردن بمب در اختیار آزادی‌خواهان قرار دهند. همچنین روستوم و یارانش متعهد شدند که با استفاده از نفوذی که حزب آنها در محافل ارمنی اروپا به‌خصوص فرانسه دارند؛ در دفاع از مشروطه ایران مطالبی در مطبوعات غربی به چاپ برسانند. ایرانیان نیز متعهد شدند تا حقوق بیشتری برای ارامنه در نظر داشته باشند و همچنین به‌منظور گسترش پیام‌رسانی و همبستگی میان ارامنه و ترک‌ها

در ترکیه عثمانی و قفقاز نماینده‌ای به استانبول اعزام کنند تا آرامنه را با عناصر مشروطیت آن دیار ربط دهد (بربریان، ۷۹).

از همان روزهایی که مجلس مشروطه به توپ بسته شد و استبداد آغاز شد، قیام مردم تبریز نیز آغاز شد. مشروطه‌خواهان به رویارویی با حکومت مرکزی برخاستند. مبارزانی چون ستارخان و باقرخان، رهبران قیام علیه استبداد شدند. تبریز در محاصره نیروهای استبداد قرار گرفت. انقلابیون و آزادی‌خواهان قفقاز به یاری تبریز اقدام کردند. در این زمان ستارخان و باقرخان به دفاع از انجمن ایالتی تبریز علیه استبداد قیام کرده بودند. ستارخان که جوانمردی از بین توده‌های مردم به‌شمار می‌رفت به‌زودی محبوبیت فراوانی به‌دست آورد. روزی که کریم خان وارد رشت شد به افتخار ستارخان کمیته‌ای به نام ستار در شهر رشت تأسیس کرد (نسیم‌شمال، سال اول، ش ۲۳، ۱). ستارخان فرماندهی و رزمجویی را با مهربانی و فروتنی و سرشت نیک انسانی درآمیخته بود. او یک بار جان خود را به خطر انداخت تا جسد داوطلب ارمنی را از میدان جنگ بردارد (امیرخیزی، ۲۸۲-۲۸۱). کمیته ستار برای شورشیان اسلحه و مهمات تهیه می‌کرد و کمیسون جنگ که ترکیبی از قفقازی‌ها، گیلانی‌ها، آذری‌ها، آرامنه و گرجی‌ها بود در این راه بسیار تلاش می‌کرد (آبادیان، ۱۲۱). مهمترین بخش کمیته ستار کمیسون جنگ آن بود که توسط الکساندر آقایان و پیرم خان که هر دو ارمنی بودند، هدایت می‌شد که ریاست کمیسون با پیرم‌خان بود (همان، ۱۱۴).

داشتن بمب و افراد متخصص که بتوانند آن را به‌کار برند، در آن زمان امتیاز بسیار بزرگی بود که مشروطه‌خواهان بارها در شرایط حساس توانسته بودند با استفاده از بمب نیروهای استبداد را پراکنده و نابود کنند. دسته‌های فداییان ارمنی که از قفقاز به ایران می‌آمدند، دارای متخصصان توپخانه و بمب‌اندازی بودند. چند ماه پس از آغاز درگیری‌های تبریز، گروه بزرگی از مجاهدان ارمنی قفقاز در حمایت از مبارزات مردم تبریز با سلاح راهی تبریز شدند و به آزادی‌خواهان پیوستند. «در مقاومت تبریز ورود مجاهدان ارمنی از قفقاز آغاز گردید. جومشود و ماردیروس چاروخچیان (در شهریور ۱۲۸۷ش/ سپتامبر ۱۹۰۸م) از رود ارس گذشتند و در کلیسای استپانوس مقدس

در این سوی ساحل ارس استقرار پیدا کردند. سپس سیمون اهل آکساندرپل و کارو در آنجا گردآمدند» («جنبش مشروطه...»، ۲۴). در روزهای مقاومت تبریز یک دسته از ارمنی‌های مجاهد که از سوی «کمیته داشناقسیون» به پیروی از «کمیته سوسیال دموکرات» روسی از قفقاز فرستاده شد، به سرکردگی کیری خان به تبریز رسیدند (کسروی، ۸۲۵). آمدن کیری به تبریز با شادی اردوی آزادی‌خواهان همراه شد. آنها تصمیم گرفتند تا مجاهدان از موضع دفاعی بیرون بیایند و حالت حمله بگیرند. مواد منفجره لازم هم از ژنو به ایران آمد و قرار بود که از اعیان ارمنی تبریز هم مبلغ ۴۵ هزار قران برای خرید فشنگ جمع‌آوری شود. پس از کیری، بمب‌ساز حرفه‌ای اهل تکیرداغ به نام گئورگ نیز به دستور روستوم به تبریز آمد. کاراپت پیونیان، مدیر مدرسه آرامنه تبریز، در محله ارمنی‌نشین لیلاوا نیز کیری را در این کار یاری داد. با آنکه تبریز در محاصره بود، انقلابیون ایرانی، ارمنی و گرجی، میتینگ‌ها و سخنرانی‌های مهم و انقلابی را برگزار کردند و جوانان ارمنی تبریز با شوق انقلابی در جنگ‌ها شرکت داشتند و در ساخت بمب و انتقال اسلحه و تیراندازی و غیره فعالیت کردند. اوضاع خوب و مساعد نبود. دوستان متحد پول و اسلحه و مهمات در اختیار انقلابیون قرار ندادند. امیدهای زیادی به کمک‌های داخلی و خارجی و کمیته مرکزی حزب بود. دفتر غربی حزب از ژنو سی هزار فرانک برای کمیته حزبی آذربایجان فرستاد و در اسفند ۱۲۸۷ش/فوریه ۱۹۰۹م با اعلامیه‌ای از کمیته‌های خود درخواست کرد تا برای کمک به رزمندگان تبریز کمک مالی جمع‌آوری کنند. آنان در امریکا، بلغارستان و مصر تلاش‌های فراوانی کردند و مبالغی برای این منظور ارسال کردند (واراندیان، ۲۷۸).

تلاش پیرم در آبان ۲۸۷ش/اکتبر ۱۹۰۸م به نتیجه رسید و پیرم کمیته‌ای هفت نفره شامل سه ارمنی و چهار مسلمان در رشت تشکیل داد و نام آن را «کمیته ستار» گذاشت. این کمیته با بسیج و اعزام نیرو، خود را برای دفاع از مشروطیت آماده کرد. همچنین نیروی رزمی متشکل از تقریباً دویست مرد در گیلان تشکیل شد تا وارد تهران شوند و مشروطیت را دوباره برپا کنند. در این گروه، ۲۷ نفر سوسیال دموکرات گرجی، ۲۱ نفر ارمنی از حزب هنجاک، ۵۰ ایرانی از حزب سوسیال دموکرات (اجتماعیون عامیون)، ۴۵



نفر به رهبری ستارخان، ۴۶ نفر به رهبری باقرخان، تعداد دیگری از ترک‌های قفقازی و تعداد بسیار زیادی از رزمندگان غیرمتحد به رهبری مخجی سلطان و ۱۷ ارمنی از حزب دانشکسوتیون به رهبری پیرم حضور پیدا کردند. زینوویف، وزیر مختار روسیه در ایران ارمنه قفقازی را این‌گونه توصیف کرد که آشوب‌طلبان ارمنی از فعال‌ترین قفقازی‌هایی بودند که در گیلان عوامل اصلی درگیری‌های انقلابی را آموزش می‌دادند (بربریان، ۸۰-۸۲). قشون روس از سمت قفقاز به سوی تهران حرکت کرد و از انزلی، رشت و قزوین گذشت و تهران را مورد تهدید قرار داد. روس‌ها امید داشتند که محمدعلی شاه دوباره به ایران برگردد و سرانجام سپاه آزادی‌خواه را شکست دهد. پیرم کارش را با زیرکی خوبی انجام می‌داد و تلاش می‌کرد تا روس‌ها را تحریک نکند (واراندیان، ۲۸۹-۲۹۰). او پس از آنکه به ریاست نظمیۀ تهران رسید، نظمیۀ را سازماندهی کرد و بر توان رزمی آن افزود. درست اندکی بعد از فتح تهران روزنامه‌های ایران نو، شرق و مجلس بار دیگر منتشر شدند. هزینه ایران نو را فردی ارمنی به نام بازیل می‌پرداخت. بازیل نماینده روزنامه دیلی میل در ایران بود (آبادیان، ۱۳۵). پیرم از جوانان ارمنی روستاها دعوت کرد که به استخدام نظمیۀ درآیند. او اعلامیه‌ای به جلفای اصفهان برای هوانس‌خان قراخانیان فرستاد. هوانس‌خان آن را به همراه نامه‌ای به روستاهای ارمنی‌نشین ارسال کرد. پیرم در فراخوان از جوانان عذب روستاهای منطقه درخواست کرده بود تا اگر تمایل به خدمت در نظام دارند به جلفا بیایند و خود را معرفی کنند تا هزینه راه را دریافت کرده به تهران بروند. سکی‌خان، کلانتر ارمنی روستای لیلان، که بزرگ‌ترین کلونی ارمنی‌نشین در خمین بود، در نامه‌ای به تاریخ ۲۰ جولای ۱۹۱۱م/ ۲۹ تیر ۱۲۹۰ به پیرم خان اعلام داشت: «از تهران نامه وصول شده‌است که شما پدیرجان تعدادی سوار لازم دارید. هر اندازه که می‌خواهید با نامه به ما اطلاع دهید. درباره جیره و مواجب و اسب و تفنگ نیز هر شرطی که دارید ما می‌پذیریم. ما تا پنجاه نفر را اینجا آماده می‌کنیم. بیشتر از این هم ممکن است. لطفاً به ما اطلاع دهید» (آموریان، ۴۱۷).

صدراعظم جدید ایران به پشتیبانی پیرم‌خان برای جلوگیری از ناآرامی‌ها دستور خلع سلاح غیرنظامیان را صادر کرد و از آنان خواست تا سلاح‌های خود را تحویل نظمیۀ

دهند. تقریباً همه طرفداران دموکرات‌ها اعلامیه صدراعظم را پذیرفتند؛ اما یکصد هوادار اعتدالیون به رهبری ستارخان و باقرخان از دستور صدراعظم سرپیچیدند و در مرکز تهران سنگ‌گیری کردند؛ از این‌رو نیروهای متشکل از عشایر بختیاری و مأموران نظمیه با آنان درگیر و آنان را خلع سلاح کردند. این درگیری‌های داخلی با تهدید خارجی روسیه هم زمان شد. روس‌ها برای حفظ منافع خود به ایران آمدند و با تصرف انزلی و رشت در آبان ۱۲۹۰ش اولتیماتومی سه ماده‌ای به ایران دادند و تهدید کردند اگر ظرف ۴۸ ساعت این خواسته‌های قشون روسیه برآورده نشود، تهران را تصرف خواهند کرد. بر سر پذیرفتن یا نپذیرفتن اولتیماتوم روس‌ها جنجال درگرفت. اکثریت نمایندگان مجلس مخالف پذیرش این موضوع بود، اما صدراعظم، دولت و نظمیه تصمیم داشتند برای جلوگیری از تصرف پایتخت به دست قشون روس اولتیماتوم اعلامی را بپذیرند. این تصمیم باعث ناآرامی مجلس شد و نمایندگان مجلس متهم به اقدام غیرقانونی شدند. نظمیه به ریاست پیرم‌خان برای پایان دادن به مشکل موجود درهای مجلس را بست و آن را تعطیل اعلام کرد (همان، ۹۶). ضد انقلاب‌ها به همین بهانه در مناطق گوناگون ایران خود را برای سرکوب نهایی مشروطه‌خواهان آماده کرد. از خطرناک‌ترین دشمنان مشروطیت ایران سالارالدوله، برادر محمدعلی شاه بود. او در غرب ایران عناصر ضد مشروطه نواحی کرمانشاه و همدان را پیرامون خود گردآورد. دولت نیز فرمانفرما و فرماندار کرمانشاه را به جنگ با او اعزام کرد. فرمانفرما در جنگی کوتاهی که درگرفت، شکستی مفتضحانه خورد و سلاح‌ها و توپخانه را گذاشت و فرار کرد (آموریان، ۴۷-۷۸؛ کسروی، ۵۱۵-۵۱۶). سالارالدوله با این پیروزی آسان حرکت خود را برای تصرف تهران هموار کرد. پیرم‌خان مأمور سرکوبی سالارالدوله شد. حزب داشناک‌سوتیون نیز در آن موقعیت حساس ماهرترین نیروهایش را به کمک پیرم اعزام کرد. پیرم ۱۸ اردیبهشت ۱۲۹۱ با ده‌تن از مجاهدان ارمنی از تهران روانه همدان شد. چنان که از او انتظار می‌رفت کارها را سر و سامان داد (کسروی، ۵۱۷). جنگ میان سپاه پیرم‌خان و سالارالدوله در نزدیکی ساوه درگرفت. سالارالدوله شکست خورد و توپخانه و ذخایر خود را از دست داد. پانصد تن از افراد او نیز اسیر شدند. او بار دیگر نیروی دیگری را

فراهم آورد و در نزدیکی همدان جنگ دیگری درگرفت اما در این جنگ نیز شکست خورد (صالحی، ۴۲).

پیروم به نام «هایریک» (پدرجان)، «قهرمان ملی»، «بزرگ‌ترین قهرمان ایران»، «قهرمان آزادی»، «رزمنده دلیر»، «قربانی آزادی ایران»، «بزرگ‌ترین پشتیبان مشروطیت»، «سردار پیروم»، «قهرمان فداکار» و «فرمانده دلیر» خطاب می‌شد (آموریان، ۱۲۷، ۱۳۰). سیدحسن تقی‌زاده از نمایندگان مجلس دوره مشروطه در ۱۳۴۱ش، در پنجاهمین سالگرد مرگ پیروم گفت: «اگر پیروم نبود، ما مشروطیت نداشتیم» (همان، ۵۲). از میان گروه‌های رادیکالی که در انقلاب جنگیده بودند، فقط دانشناکسوتیون و داوطلبان ارمنی در نظمیة حالت سازمان یافته داشتند. به خاطر همین نفرت زبده بود که نهضت مشروطیت زنده ماند (آبراهامیان، ۱۰۰). جانفشانی آرامنه در دوره مشروطیت تأثیری عمیق در اذهان مردم ایران برجای گذاشت. آرامنه همواره با ایرانیان در کمال صلح و صفا زیسته‌اند؛ حتی زمانی که عثمانی‌ها آرامنه را مورد تعقیب و کشتار قرار دادند، ایرانیان جانب آرامنه را گرفتند (ناطق، ۲۸۱). آرامنه نیز همیشه این احساس را داشته‌اند که ایرانیان نزدیک‌ترین و مطمئن‌ترین دوستان و برادران آرامنه هستند. «آرامنه ما را دوست دارند، ما هم آنها را دوست داریم و در وقت‌هایی که اختلافات مذهبی در جاهای دیگر، آنها را قتل‌عام می‌کردند، ما آنها را با آغوش باز در خاک خود پذیرفتیم و همه‌گونه وسایل آسایش آنها را فراهم کردیم» (باستان، ۶). ایران همواره موطنی امن برای آرامنه بوده و بی‌دلیل نیست که آرامنه، هم ایران و هم ارمنستان را به‌طور برابر خانه‌ای امن برای خود می‌دانند (بایبوردیان، ۱۴۷).

## نتیجه

انقلاب مشروطیت ایران در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۱ جنبشی برای برقراری نظام پارلمانی، ایجاد دولت مشروطه، انجام اصلاحات و تمرکز قدرت در دست دولت بود. این حرکت پیامد رویدادهای گوناگونی بود که در خلال قرن نوزدهم در ایران رخ داد. ارامنه به صورت رسمی در دوره مشروطه در انتخابات مشارکت کردند. انتخابات اولین دوره مجلس در سپتامبر ۱۹۰۶ برگزار و مجلس با حضور نمایندگان ارامنه در ۷ اکتبر ۱۹۰۶ آغاز شد و این نخستین بار بود که ارامنه در عرصه اتفاقات ملی ظاهر شدند. ارامنه به دنبال قانون مدون و تساوی حقوق بودند تا از طریق آن بتوانند در یک محیط برابر زندگی کنند. مشروطه در واقع نویدی برای ارامنه بود که در فضای باز سیاسی، به ارتقای وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود پردازند. یکی از نقاط مشترک مناسبات میان ارامنه با مشروطه ایران آن بود که حضور و یا عدم حضور آنها هیچ ارتباطی با دین آنها نداشت، علت این همراهی با مشروطه توسط ارامنه، وضعیت نابهنجار اجتماعی و سیاسی آنها بود. ارامنه بیشتر به دنبال آزادی و استقلال خود از امپراتوری عثمانی بودند. حزب ارمنی دانشناکسیون در انقلاب ایران و در کشمکش‌ها شرکت فعال داشت؛ چون معتقد بود شرایط و اوضاع حال و آینده ارمنی‌ها در ایران، قفقاز و امپراتوری عثمانی مستقیماً وابسته با مردم ایران است و موفقیت قیام مشروطه ایران، بر حکومت‌های منطقه از قبیل امپراتوری‌های روسیه و عثمانی تأثیر داشت و می‌توانست شرایط و اوضاع آنان را در ارمنستان، روس و عثمانی بهبود بخشد. مشروطه به عنوان یک اتفاق بزرگ اجتماعی، نقطه عطفی در اصلاح ذهنیت عمومی نسبت به پیروان ادیان دیگر در ایران بود. مشروطه توانست با رویکردهای حقوقی خود، حد تحمل مردم را نسبت به ادیان دیگر افزایش دهد که نتیجه آن، حضور و مشارکت ارامنه در رونق و توسعه کشور بوده است.

## منابع

- «جنش مشروطه و انقلاب ایران»، روزنامه آلیک، تهران، ش ۱۹، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۱-۲۵.
- امیرخیزی، اسمعیل، قیام آذربایجان و ستارخان، تبریز، کتاب فروشی تهران، ۱۳۳۹ ش.
- آبادیان، حسین، بحران مشروطیت در ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳ ش.
- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران، مرکز، ۱۳۷۷ ش.
- آرشیو وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۳ ق، ک ۲۱ و ۲۲، پ ۵، نامه‌های ۱۱ رمضان و ۲۸ شوال ۱۳۲۳.
- آفاری، ژانت، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران، بیستون، ۱۳۷۹ ش.
- آموریان، آندره، حماسه پیرم بانضمام شرح احوال گروه گوگونیان و حزب دانشناکسوتیون، ترجمه ترجمه هرایر خالاتیان، تهران، جاویدان، ۱۳۵۵ ش.
- باستان، حسین، «سخنی چند درباره ایرانی‌های ارمنی»، هور، س ۱، ش ۲، ۱۳۵۰ ش، ص ۴-۱۵.
- بایوردیان، واهان، مناسبات ایرانیان و ارمنیان، ترجمه ادیک گرماتیک، آباگا، ش ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۹-۱۵۱.
- بربریان، حوری، ارامنه و انقلاب مشروطه ایران (۱۲۸۵-۱۲۹۱)، ترجمه سامیه جرفی، تهران، شیرازه، ۱۳۹۷ ش.
- بیگ باباپور، یوسف، کاتب چلبی حاجی خلیفه، تهران، منشور سمیر، ۱۳۹۲ ش.
- جلالی، سعید، ارامنه و انقلاب مشروطه ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲ ش.
- حبل‌المتین، سال چهاردهم شماره ۵، سال سیزدهمین، شماره ۹.
- درهوهانیان، هاروتون، تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون میناسیان و موسوی فریدنی، اصفهان، زنده رود، ۱۳۷۹ ش.
- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۵۸ ش.
- رائین، اسماعیل، ایرانیان ارمنی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶ ش.
- رضایی، عبدالعظیم، گنجینه تاریخ ایران، تهران، اطلس، ۱۳۷۸ ش.
- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۷ ش.
- صالحی، عباسعلی، هم میهنان نقش آفرین مسیحی، تهران، ۱۳۵۵ ش.
- علیزاده مقدم، بدرالسادات و ظهراب هاشمی پو، «وضعیت فرهنگی ارامنه بوشهر در دوره قاجار (بر اساس اسناد این دوره)»، گنجینه اسناد، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، ص ۵۸-۷۶.  
(DOI: ۱۳۰-۹۵۶۰-۲۰۱۶۰۲۱۷۱۴۵۶۵۳۵۸)
- فروچی، علی، طالبی، فرامرزی، ارمنیان گیلان، رشت، گیلکان، ۱۳۷۷ ش.

- کاتوزیان، محمدعلی، مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، شرکت سهامی، ۱۳۷۹ ش.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.
- لازاریان، ژانت، دانشنامه ایرانیان ارمنی، تهران، هیرمند، ۱۳۸۲ ش.
- ماتناداران (آرشیو اسناد مجموعه ماشتوس مقدس ارمنستان): پوشه ۱، شماره‌های ۵۹، ۹۱، ۵۹۴، ۷۵۰.
- مانوکیان، آرپی، حزب داشناک و جریان نهشت مشروطه، تهران، رامرنگ، ۱۳۸۴ ش.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (دوره دوم)، تهران، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۲۸.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق مآثر السلطانیه، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران، موسسه ایران، ۱۳۸۹ ش.
- ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، کتاب پنجم، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۱ ش.
- میناسیان، سرگتی، «نقش آرامنه در ارتش ایران»، ترجمه آناهید هوسپیان، پیمان، ش ۱۸ و ۹۱، زمستان و بهار، ص ۱۳۹-۱۳۲، ۱۳۸۰ ش.
- ناطق، هما، «پیامدهای سیاسی و اقتصادی تنظیمات عثمانی»، مجله بخارا، شماره ۵، بهار، ۱۳۷۸، ص ۲۸۱.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، نشر پیکان، ۱۳۷۷ ش.
- نسیم‌شمال، سال اول، ش ۲۳ و ۲۴.
- واران‌دیان، میکائل، تاریخ حزب داشناکسوتیون، تهران، آلیک، ۱۹۸۱ م.
- یزدانی، سهراب، مجاهدان مشروطه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸ ش.